

داعش



■ خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی
■ بختیار علی
■ نشر مرکز
■ ۱۸۸ صفحه

«بختیار علی» در این کتاب ایده متفاوتی را نسبت به نویسندگان دیگر درباره داعش مطرح می‌کند. او معتقد است که داعش پدیده جدیدی نیست، به تعبیر وی، داعشیان کاری را می‌کنند که بعضی‌ها و اعضای القاعده کرده‌اند. او این اقدامات وحشتناک و ادعاهای زمان‌پریش را به هویت پرستی ازلی گرا و جاودانه نسبت می‌دهد و استدلال می‌کند که مقوله‌ای به نام عقل شرقی سرچشمه این خشونت‌هاست.

ماهیت داعش



■ محمدحسین قربانی
■ زواره
■ انتشارات نظری
■ ۲۲۴ صفحه
■ ۴۲ هزار تومان

کتاب در قالب ۶ فصل تنظیم شده است. شکل‌گیری سلفیت، شکل‌گیری القاعده، توهّمات و تفکرات حاکم بر داعش، شکل‌گیری داعش، جغرافیای داعش در عراق و سوریه، تجهیزات و تاکتیک‌های داعش مواردی است که در این اثر به آن‌ها پرداخته می‌شود. نویسنده در توضیح چرایی پرداختن به بحث داعش معتقد است شناخت این گروه فعال در منطقه ضروری است و به ویژه شناخت بعد امنیتی و نظامی این گروه را بسیار حائز اهمیت می‌داند.

در دام داعش



■ بی‌برزان لوییزار
■ ترجمه ویدیا سامعی
■ نشر نو
■ ۱۵۲ صفحه
■ ۱۲ هزار تومان

داعش با بهره‌برداری از بحران رو به رشد در سوریه و عراق کنترل بخش‌های وسیعی از مناطق این دو کشور را به دست گرفت و همزمان توانست منابع مالی عظیمی را از این رهگذر در اختیار بگیرد. این گروه برخلاف القاعده تلاش کرد اقدام به تأسیس حکومت کند. نویسنده کتاب در دام داعش که مورخ و کارشناس خاورمیانه است، در این اثر کوشیده که دلایل موفقیت این گروه را در مقطع پیروزی و گسترش آن بررسی کند.



اجرای این عملیات‌ها از سوی اعضای این گروه می‌پرسیدم در آخر فرار کردم تا به او برسیم....»

نجات هویت مذهبی

هویت مذهبی و تلاش برای زنده نگه داشتن این در زیر یوغ فشارهای شدید مدرنیته و تحولات سطح جهانی، شاید یکی دیگر از دلایل اعضای داعش برای پیوستن به این گروه بود. بسیار گزارش می‌شد افرادی که انسان‌های دارای تشخیصی در عراق و حتی سایر جوامع مسلمان و غیرمسلمان بودند، به این گروه پیوسته‌اند که بهت و حیرت جهانیان را در پی داشت اما حقیقت آن است که این افراد تا حدود زیادی هویت مذهبی خود را در معرض تهدید جدی می‌دیدند. ظاهراً داعش در ایجاد هویت نمادین برای اعضای خود موفق عمل می‌کرد و به آنان این دلیل برای تمایز از دیگران را می‌داد. در یکی از مثال‌های آورده شده در کتاب، این وضعیت به خوبی مشخص است. همسر یکی از اعضا در مصاحبه با نویسنده می‌گوید: «قطعا انگیزه او، نه مادی یا اقتصادی، که کاملاً اعتقادی بود. او در شهر آدم سرشناسی بود و ماهانه از دولت عراق، بیشتر از یک میلیون دینار حقوق دریافت می‌کرد؛ در کنار آن هم به کار کشاورزی مشغول بود. پس درآمد کمی نداشت. حالا بماند که بیشتر درآمدش را خرج مادر پسرش و دو خواهرش می‌کرد و چیز چندانی به ما نمی‌رسید! واقعا نمی‌دانم چه شد که این طور شد؛ انگار او را سحر کرده بودند. آن‌ها به قدری نفوذ کلام داشتند که وقتی با شما صحبت می‌کردند، سریع شما را قانع می‌کردند. برای مثال «می‌گفتند همراه ما باش تا وارد بهشت بشوی و خدا، حوربان بهشتی به تو بدهد، و تمام خانواده‌ات هم وارد بهشت شوند...» و از این حرف‌ها! تشکیلات، به من و ابوعلوش و دخترم فاطمه که مجرد و در خانه بود، مجموعاً حدود ۱۶۰ یا ۱۷۰ هزار یا نهایتاً ۲۰۰ هزار دینار در ماه پرداخت می‌کرد؛ تقریباً برای هر یک‌مان، ۶۴ هزار دینار، هر دو ماه هم در حدود یک کیلو شکر، یک کیلو برنج و یک صابون و نصفی هم سهمیه‌ی غیرنقدی داشتیم.... به نظر تو منطقی بود که برای این پول ناچیز و این کمک‌های کم‌ارزش به داعش بپیوندی؟ وضعیت خانه و زندگی‌مان را نگاه کن! با عضویت ابوعلوش در داعش، هیچ چیزی در زندگی‌مان عوض نشد؛ نه تلاقی برایمان خرید، نه توانست امکاناتی فراهم آورد و ما را خوشحال کند و...» به این ترتیب به نظر می‌رسد باورهای مذهبی در پیچ‌های بود که داعش می‌توانست برای پرننگ کردن وجه هویتی افراد از آن بهره‌برد و آنان را با خود همراه کند. کتاب سرشار از روایت‌های جالب در مورد داعش است که هر یک به نحوی می‌تواند دلایل پیدایش و گسترش این گروه را در آن مقطع زمانی شرح دهد.



ظاهراً داعش در ایجاد هویت نمادین برای اعضای خود موفق عمل می‌کرد و به آنان این دلیل برای تمایز از دیگران را می‌داد. در یکی از مثال‌های آورده شده در کتاب، این وضعیت به خوبی مشخص است. همسر یکی از اعضا در مصاحبه با نویسنده می‌گوید: «قطعا انگیزه او، نه مادی یا اقتصادی، که کاملاً اعتقادی بود. او در شهر آدم سرشناسی بود و ماهانه از دولت عراق، بیشتر از یک میلیون دینار حقوق دریافت می‌کرد؛ در کنار آن هم به کار کشاورزی مشغول بود. پس درآمد کمی نداشت.

ابزارهایی که داعش از درون دین برای توجیه اعمال خود به خدمت می‌گیرد، بحث «جهاد نکاح» یک مفهوم نسبتاً جدید به شمار می‌آید. تا پیش از این اعضای گروه‌های سلفی جهادی چون القاعده بیشتر چهره‌ای زاهدمانانه داشتند که در جست‌وجوی هدفی بلندمدت برای رسیدن به خلافت اسلامی در روی زمین، به مطالعه متون دینی، آموزش و سازمان‌دهی و انجام عملیات‌های انتحاری در راه خدا و رسیدن به بهشت تلاش می‌کردند. در جهان بینی القاعده زن و الکل جایی نداشتند و برای یک جوان عضو القاعده ارتباط با جنس مخالف تنها در دو زمان یعنی پس از ازدواج و دیگری بعد از شهادت میسر بود. از این‌رو در برخی از کشورهای اسلامی نظیر سنگاپور و اندونزی که جوانان آن در معرض پیوستن به القاعده بودند، تلاش شد مظاهر زندگی دنیوی را برای آنان پرننگ‌تر کنند تا جاذبه‌های مورد نظر خود را در این جهان و در جامعه خود دریابند.

در بخشی از مصاحبه‌های این اثر نویسنده به سراغ این وجه از ارتباط‌گیری اعضای داعش با زنان و دختران برای جذب به فعالیت‌های این گروه می‌رود. در قسمتی در یکی از مصاحبه‌ها با دختر جوانی که دانشجوی بوده، آمده است: «همان‌طور که می‌گفتم، من دانشجوی رشته فقه بودم و از دیگر اعضای خانواده‌ام متدین‌تر بودم و انگیزه‌های دینی قوی‌تری داشتم. با توجه به تحولات عراق و سوریه و درگیری‌هایی که آن زمان در استان الانبار میان برخی عشایر و دولت مرکزی درگرفته بود، پرسش‌های زیادی در خصوص جهاد، شهادت و مسائلی از این دست در سر داشتم که برای برخی‌شان به جواب قانع‌کننده‌ای نرسیده بودم. معمولاً در مطالعات کتاب‌خانه‌ای هم جوابی برای آنها نمی‌یافتیم. در همین احوال بود که حسابی در شبکه فیس‌بوک باز کردم و جهان جدیدی از اطلاعات را فراروی خود دیدم. در یکی از روزها که مشغول بحث در خصوص جهاد و شهادت بودم، به یک حساب فیس‌بوکی با نام مستعار «ابواسامه البغدادی» برخوردم که بعدها فهمیدم نام حقیقی صاحب آن، «عبدالرحمن فاضل» از اهالی بغداد است. او در آن زمان، مسئول ایستگاه عملیاتی دولت اسلامی عراق در محله الجهاد بغداد بود. پست‌های حساب او، برایم بسیار جالب توجه و جذاب بود. برای همین، با او ارتباط مستقیم برقرار کردم، و با یکدیگر در خصوص مسائل مورد علاقه‌ام چون جهاد، شهادت و... بحث و گفت‌وگو می‌کردیم. تا اینکه از لایه‌لای حرف‌هایش مطلع شدم که عضو گروه دولت اسلامی است. این، مرا کنجکاوتر و شیفته‌تر کرد. برای همین، از او در خصوص دولت اسلامی و اصول عملیات استشهادهای و چرایی